

یک مرد بزرگ فرزند کوچک خدا می شود

خطبه 28 اوت 2022

دوم پادشاهان 5: 1-17

کشیش کریس سیکس

ما امسال در حال مطالعه تعلیمات مذهبی شهر جدید هستیم، زیرا خلاصه ای عالی از اعتقاد ما به عنوان مسیحی است. من سوال 35 را می خوانم و سپس با هم پاسخ را می خوانیم.

سؤال 35: از آنجایی که ما فقط از طریق فیض، تنها از طریق ایمان، بازخريد شده ایم، این ایمان از کجا می آید؟

تمام هدایایی که از مسیح دریافت می کنیم از طریق روح القدس دریافت می کنیم، از جمله خود ایمان.

این پرسش و پاسخ درباره راز ایمان است. ما باید انتخاب کنیم که به عیسی اعتماد کنیم و به خدا ایمان داشته باشیم. اما این ایمان را از کجا بدست آوریم؟ این هدیه ای است که توسط روح القدس تحویل داده شده است. به این ترتیب، تنها خدا جلال را برای نجات ما دریافت می کند. پدر پسر را فرستاد تا به جای ما یک مرگ قربانی بمیرد. روح القدس چشمان ما را برای دیدن و ایمان آوردن به عیسی باز می کند. و وقتی این کار را انجام می دهیم، پدر ما را مقدس می شمارد و روح القدس به زندگی مقدس کمک می کند.

به عبارت دیگر، نجات کار خدا در زندگی ماست. یکی از داستان های مورد علاقه من در کتاب مقدس درباره کار شگفت انگیز خدا در شخصی غیرمنتظره است. قرار است با یک ژنرال سوری ملاقات کنیم. او دشمن اسرائیل بود، اما خدا او را به جامعه عهد آورد. ما با تمرکز بر جزئیات زیر به چگونگی انجام این کار توسط خداوند نگاه خواهیم کرد:

نکته 1. سه راه که غرور نعمان مانع نجات اوست.

نکته 2. از سه راه خداوند به نعمان فروتنی را آموزش می دهد تا او بتواند فیض را دریافت کند.

بیاید کلام خدا را از دوم پادشاهان 5 بخوانیم:

- 1 «نعمان، فرمانده لشکر پادشاه سوریه، در نزد ارباب خود مردی بزرگ و صاحب لطف بود، زیرا خداوند به وسیله او سوریه را پیروز کرده بود. او مردی توانا و شجاع بود، اما جذامی بود.
- 2 و سوریان در یکی از حملات خود دختری را از سرزمین اسرائیل برده بودند و او در خدمت همسر نعمان بود.
- 3 به معشوقه‌اش گفت: «ای کاش سرورم با نبی که در سامره است بود! او را از جذام شفا می‌داد.»
- 4 پس نعمان داخل شد و به آقای خود گفت: «دختری از سرزمین اسرائیل چنین و چنان گفت.»
- 5 و پادشاه شام گفت: «اکنون برو و من نامه‌ای برای پادشاه اسرائیل خواهم فرستاد.»
- پس رفت و ده تالانت نقره و شش هزار مثقال طلا و ده تغییر لباس با خود برد.
- 6 و نامه را برای پادشاه اسرائیل آورد که در آن نوشته شده بود: «وقتی این نامه به تو رسید، بدان که بنده خود نعمان را نزد تو فرستادم تا او را از جذام شفا دهی.»
- 7 و چون پادشاه اسرائیل نامه را خواند، جامه خود را پاره کرد و گفت: «آیا من خدا هستم که بکشم و زنده کنم که این مرد به من پیام می‌فرستد تا مردی را از جذام شفا دهم؟ فقط در نظر بگیرید و ببینید که او چگونه به دنبال نزاع با من است.»
- 8 اما چون الیشع مرد خدا شنید که پادشاه اسرائیل جامه‌های خود را پاره کرده است، نزد پادشاه فرستاد و گفت: «چرا جامه‌های خود را پاره کردی؟ بگذارید اکنون نزد من بیاید تا بدانند که در اسرائیل پیامبری وجود دارد.»
- 9 پس نعمان با اسب‌ها و اربه‌های خود آمد و بر در خانه الیشع ایستاد.
- 10 و الیشع رسولی نزد او فرستاد و گفت: «برو و در اردن هفت بار بشوئی، و بدنت باز خواهد گشت و پاک خواهی شد.»
- 11 اما نعمان خشمگین شد و رفت و گفت: «اینک، فکر کردم که او حتماً نزد من می‌آید و می‌ایستد و نام یهوه خدای خود را می‌خواند و دست خود را بر آن مکان تکان می‌دهد و جذامی را درمان می‌کند.
- 12 آیا آبانا و فاریار، رودهای دمشق، بهتر از تمام آبهای اسرائیل نیستند؟ آیا نمی‌توانم در آنها بشویم و پاک باشم؟»
- پس برگشت و با عصبانیت رفت.
- 13 اما خادمان او نزدیک شدند و به او گفتند: «ای پدر، این سخن بزرگی است که نبی به تو گفته است، آیا آن را انجام نمی‌دهی؟ آیا او واقعاً به شما گفته است: "بشوید و پاک باشید"؟»
- 14 پس فرود آمد و برحسب کلام مرد خدا هفت بار در اردن غوطه‌ور شد و بدنش مانند گوشت کودکی سالم گشت و پاک شد.
- 15 سپس نعمان نزد مرد خدا، او و تمام گروهش بازگشت، و او آمد و در مقابل او ایستاد.
- و نعمان گفت: «اینک، من می‌دانم که خدایی در تمام زمین جز در اسرائیل نیست...»
- 17 از این به بعد، غلام تو برای هیچ خدایی جز خداوند قربانی سوختنی و قربانی نخواهد کرد.»

”چمن ها پژمرده می شوند ، گل ها کمرنگ می شوند ، اما کلام خدای ما تا ابد پابرجا خواهد ماند.“

بیا با هم دعا کنیم

ای پدر بهشتی، ما به سوی تو می آییم زیرا تو منبع حیات و حقیقت هستی. عیسی، ما تو را می پرستیم زیرا سرشار از رحمت و محبت هستی. روح القدس، لطفاً قلب و ذهن ما را باز کن تا با کلام خدا متحول شویم. آمین

نکته 1. سه راهی که غرور نعمان مانع نجات اوست.

ژنرال نعمان یک ”مرد بزرگ“ بود. او با استعداد، ثروتمند، مرتبط و موفق بود.

اما نعمان خالق خود را که این نعمت های فراوان را به او داده بود، نمی شناخت. آیا در آیه 1 متوجه شدید که این خدا بود که نعمان را پیروز کرد؟ نعمان کسی را که سزاوار موفقیت سوریه است، نمی شناسد و نمی پرستد. نعمان سرانجام ایمان می آورد، اما سه چیز بر سر راه او قرار می گیرد:

1. موقعیت؛ (2) دارایی؛ و (3) قدرت.

به افراد موفق فکر کنید که دارای موقعیت های تاثیرگذار، دارایی های فراوان و قدرت قابل توجهی هستند.

آیا می دانستید که آنها همچنین می توانند نیاز های عمیقی داشته باشند؟ در واقع گاهی خدا آنقدر مهربان است که اجازه می دهد مشکلات وارد زندگی افراد راحت شود، آنها را بیدار کند. در مرقس 10:25 عیسی گفت:

25 «بر ستر از سوراخ سوزن آسانتر از ورود ثروتمند به ملکوت خداست.»

آیا منظور عیسی این بود که خداوند درهای بهشت را به روی افراد ثروتمند بسته است؟ البته که نه. من فکر می کنم مشکل برای ثروتمندان از واقعیت دور است. انسان ها نمی خواهند بپذیرند که ما به یک ناجی نیاز داریم. نمی خواستم اعتراف کنم چون خیلی مغرور بودم. غرور انسان همیشه یک مشکل است. اما ثروتمندان این مشکل اضافه را دارند که راحت باشند. بدون نیازهای مادی زیاد، احساس نیاز نمی کنند.

آسایش مادی و موفقیت زمینی مانند بسته بندی بادام زمینی است که از ما در برابر آن محافظت می کند شوک سخت و واقعیت مکاشفه 3:17 هشدار می دهد قوی برای افراد راحت دارد:

17 «زیرا تو می‌گویی که من ثروتمندم، کامیاب شده‌ام و به هیچ چیز نیاز ندارم، اما نمی‌دانی که تو بدبخت، رقت‌انگیز، فقیر، کور و برهنه هستی.»

نعمان ثروتمند و مرفه بود. اما او یک چیز کم داشت: درمانی برای جذامش. این نیاز در زندگی او گشایشی برای انجیل در قلب نعمان بود. اما اول، خدا باید غرور نعمان را می کشت. جذام باعث بی حسی در انگشتان دست و پاهای نعمان شد، اما غرور نعمان قلب او را بی حس کرد. وقتی نعمان خیر رفتن به الیشع را می‌گیرد، در عوض نزد دو پادشاه می‌رود. او برای به دست آوردن یک درمان قدرتمند، به سراغ افراد قدرتمند می‌رود.

نعمان از موقعیت نفوذ خود برای دریافت نامه ای از پادشاهی به پادشاه دیگر استفاده می کند. من نمی دانم چند نفر از شما می توانید وارد کاخ سفید شوید و از رئیس جمهور بخواهید که برای شما نامه بنویسد، اما نعمان می تواند این کار را انجام دهد. او می خواهد مطمئن باشد که در اسرائیل به آن توجهی می شود که شایسته اوست. دوم، نعمان از دارایی های خود برای درمان خود استفاده می کند. او 4 میلیون دلار با خود به همراه می آورد - ارزش نقره و طلائی که او امروز آورده است، همین است. نعمان هر چه لازم باشد خرج خواهد کرد تا برای جذام درمان کند. او آماده است اگر لازم باشد به الیشع پول بدهد یا به کسی رشوه بدهد.

سوم، نعمان از قدرت خود برای درمان خود استفاده می کند. او با اسبها و اربابهایش به خانه الیشع می رسد و می خواهد درمان شود. وقتی الیشع به جای حضور در حضور نعمان، خدمتکاری را می فرستد، سردار بزرگ خشمگین می شود. نعمان می گوید: «فکر کردم حتماً نزد من بیرون می آید». نعمان می گوید: «این مرد کوچک نمی داند من کیستم؟ الیشع چگونه جرأت می کند برای مردی مثل من رسولی بفرستد!» نعمان از عصبانیت و نمایش قدرت نظامی خود برای قلدری الیشع استفاده می کند و شفای او را می طلبد.

اما خدا می خواهد که نعمان تنها با فیض شفا یابد. به همین دلیل است که هر یک از نعمان استراتژی ها شکست می خورند این نامه تنها پادشاه اسرائیل را در حالت وحشت خود محور قرار می دهد. پول نعمان توسط الیشع رد شد. و فریاد و درخواست ژنرال او را به جایی نمی رساند. در گذشته، موقعیت، دارایی ها و قدرت نعمان برای رسیدن به آنچه می خواهد کافی بود. در شهری مانند واشنگتن دی سی، بسیاری از مردم برای به دست آوردن آنچه می خواهند به موقعیت، دارایی و قدرت تکیه می کنند، اینطور نیست؟ این بار برای نعمان کار نمی کند. فکر کنید که قبولش برای او چقدر سخت بوده است.

اما خدا در اینجا نعمان را دوست دارد. ببینید، خدا نمی گذارد که این مرد موفق و سربلند با داشته های خودش شفا پیدا کند. جسم و روح نعمان تنها با فیض احیا می شود. این تنها راهی است که خدا مردم را شفا می دهد. لطف خدا شگفت انگیز است زیرا مجانی است و نمی توان به دست آورد. به همین دلیل است که فقط فروتنان می توانند فیض را دریافت کنند.

نکته 2. از سه راه خداوند به نعمان فروتنی را آموزش می دهد تا بتواند فیض را دریافت کند.

اولین درس نعمان در فروتنی بیماری اوست. وقتی همه چیز در زندگی خوب پیش می رود و ما از موفقیت لذت می بریم، اغلب خدایی را که به ما برکت داده فراموش می کنیم. در عوض ما خود را وقف لذت بردن از برکات او می کنیم. اما وقتی فرزند شما مریض است، یا شغل خود را از دست می دهید، یا چیزی شبیه به آن، متوجه می شوید که یک تلویزیون بزرگ و یک ماشین خوب برای شما راحت نیست، درست است؟ ناگهان، آن بحران همان چیزی است که توجه شما را به خود جلب می کند. همه آن چیزهایی که قبلاً شما را راضی می کردند و قلب شما را تسخیر می کردند، بی معنی به نظر می رسند. و سپس از خدا کمک می خواهی.

برای اینکه نعمان درماندگی خود را درک کند، به چیزی نیاز داشت که از حل آن ناتوان بود. خداوند از جذام نعمان استفاده کرد تا او را از مرگ و میر خود آگاه سازد. مردی که ظاهراً همه اینها را داشت یک مشکل داشت که موقعیت، دارایی و قدرت او نتوانست آن را حل کند. همه ما از نیازمند بودن متنفریم، اما خدا فقط کسانی را نجات می دهد که نیاز خود را به او ببینند. از طریق نیاز ما، خداوند خود را برای ما نمایان می کند.

یهوه و یهوه دو راه برای گفتن نام خدا، اسم من هستم. این یک نام غیر معمول است، یک جمله ناتمام. I AM مانند یک چک سفید است و خداوند آن را با نیازهای ما پر می کند. نیازهای ما مانند عینکی است که به ما کمک می کند شخصیت خدا را به وضوح ببینیم. یهوه شالوم یعنی: من صلح تو هستم. یهوه-جیره: من تأمین کننده شما هستم. نعمان به صلح یا تأمین کننده نیاز ندارد. نعمان یک جذامی است، مبتلا به بیماری است که انسان را به اندازه کافی فروتن می کند تا خدا بتواند خود

را به عنوان یهوه رافا نشان دهد: من شفا دهنده شما هستم.

دومین درس نعمان در فروتنی یک دختر کوچک پیام آور است. بین «مرد بزرگ» در آیه 1 و این «دختر کوچک» در آیه 2 تضاد آشکاری وجود دارد. نعمان قدرتمند و ثروتمند است. او ناتوان و بی پول است. نعمان مردی است که آزادی زیادی دارد و مستقل از خدا زندگی می کند. او یک برده بدون آزادی است، او کاملاً به خداوند وابسته است. اما او دقیقاً ابزاری است که خداوند برای استفاده در این مکان و زمان انتخاب کرده است. دوستان من هرگز فکر نکنید که چیزی ندارید که خدا از آن استفاده کند، در هر کجا و هر کسی که هستید. روح القدس به این دختر ایمان داد تا در مواقعی که خطری دارد چیزی بگوید. در خطبه هفته آینده زمان بیشتری را صرف صحبت درباره او خواهیم کرد.

در حال حاضر، ما باید به درس سوم نعمان در مورد فروتنی نگاه کنیم: یک غسل غیرمنتظره. از آنجا که نعمان مرد بزرگی است که بیماری بزرگی دارد، او یک درمان گران قیمت بزرگ می خواهد. اما خدا به نعمان می گوید که یک کار ساده و فروتنانه انجام دهد. خدا به او می گوید که خود را در رود اردن بشوید. این برای غرور نعمان سخت است. دریافت شفای محض از طریق فیض از طریق ایمان به این معنی است که موقعیت، دارایی و قدرت ما بی فایده است. اما باید اینطور باشد، زیرا در این صورت ما هیچ اعتباری برای شفا نداریم. این همه از روی لطف است.

به همین دلیل است که مردم تلاش می کنند تا زانوهای خود را خم کنند و نجات دهنده خود را دریافت کنند. ما خیلی ترجیح می دهیم نجاتی داشته باشیم که به دست آوریم، زیرا در این صورت خدا چیزی به ما مدیون خواهد بود. اگر باور داشته باشیم که کاری برای جلب محبت خدا انجام داده ایم، آنگاه می توانیم افرادی را که هنوز راه خود را به خانواده خدا پیدا نکرده اند، از حقارت نگاه کنیم. اما پولس در افسسیان 2: 8-9 نوشت:

8 «به فیض از طریق ایمان نجات یافته اید.

و این کار شما نیست. این هدیه خداست،

۹ نتیجه کار نیست تا کسی فخر نکند.»

وقتی تصمیم می گیرید قلب خود را در عیسی ببخشید، به این دلیل است که روح القدس هدیه ایمان را به شما بخشیده است. تو درست مثل نعمان هستی دوست من. شما نمی توانید خود را شفا دهید، و نعمان نیز نتوانست. خدا همه چیز را در مورد شفای نعمان ترتیب داد تا او و دیگران بتوانند ببینند که یهوه تنها سزاوار ستایش و جلال است. نعمان باید کاملاً به کلام خدا تکیه کند تا شفا یابد. نعمان هیچ توضیحی دریافت نمی کند که چرا باید برای شستن هفت بار به این رودخانه کوچک گل آلود برود. برای نعمان مسخره به نظر می رسد.

زمانی که من یک آنتنیست بودم، به نظرم احمقانه بود که به یک مرد یهودی که 2000 سال پیش بر روی صلیب مرده بود اعتقاد داشته باشم. مضحک به نظر می رسید که فکر کنم عیسی می تواند برای گناهان من بخشش، صلح پایدار و زندگی ابدی ارائه دهد. دیوانه به نظر می رسید، اما حقیقت دارد!

به آنچه پولس در مورد انجیل در اول قرن نهم 22: 1-25 می گوید نگاه کنید.

22 «برای یهودیانی که از آسمان نشانه‌هایی می‌خواهند احمقانه است.

و این برای یونانیان که به دنبال خرد انسانی هستند احمقانه است.

23 پس وقتی ما موعظه می‌کنیم که مسیح مصلوب شد، یهودیان آزرده می‌شوند و غیریهودیان می‌گویند که همه چیز بیهوده است.

24 اما برای کسانی که خدا برای نجات فراخوانده است، چه یهودیان و چه غیریهودیان، مسیح قدرت خدا و حکمت خداست.

۲۵ این نقشه احمقانه خدا از عقلا‌نمترین نقشه‌های بشری عقلا‌نمتر است، و ضعف خدا قوی‌تر از بزرگترین نیروی انسانی است.»

خداوند از آنچه ضعیف و احمقانه به نظر می رسد استفاده می کند. او از یک کنیز ضعیف برای کمک به نعمان قوی استفاده می کند. خداوند از حماقت غسل در رودخانه کنیف خارجی استفاده می کند. خدا از این چیزها برای نشان دادن غرور نعمان استفاده می کند تا او به اندازه کافی متواضع باشد تا فقط از طریق فیض نجات یابد. نعمان بالاخره از جنگ دست کشید و حمام کرد. جسم او احیا شد و پاک شد. این دو مورد جداگانه ای است که الیشع در آیه 10 به آنها اشاره می کند. نعمان احیا شد و پاک شد. نعمان در ظاهر شفا می یابد، اما باطن نیز پاک می شود. چگونه می دانیم که شفای نعمان درونی و بیرونی بوده است؟ من حداقل سه چیز را می بینم. ابتدا نعمان برای تشکر از الیشع برمی گردد. نعمان از خانه الیشع به سمت شرق به رود اردن رفت. پس از بهبودی، او می توانست به سمت شرق به دمشق برود.

در عوض، نعمان تمام تلاش خود را می کند تا نزد الیشع برگردد و از او تشکر کند. این ما را به یاد زمانی می اندازد که عیسی 10 جذامی را شفا داد و تنها یکی از معبد برای تشکر از عیسی در لوقا 17:16-19 بازگشت.

16 «جذامی خود را به پای عیسی انداخت و از او تشکر کرد، و او سامری بود...

18 عیسی پرسید: «آیا جز این بیگانه کسی برای ستایش خدا بازگشته است؟»

۱۹ سپس به او گفت: «برخیز و برو، ایمانت تو را شفا داد.»

نعمان و یک سامری دو خارجی هستند که از طریق ایمان از جذام شفا یافتند. و هر دو مرد با سپاسگزاری پاسخ دادند. هنگامی که نعمان برای تشکر از الیشع بازگشت، دومین نشانه تبدیل او را مشاهده می کنیم. در آیه 15 به الیشع می گوید: «لطفاً هدیه ای از جانب بنده خود را بپذیر.» مرد متکبر که از الیشع خواست بیرون بیاید و او را تصدیق کند، اکنون خود را خادم الیشع می خواند. نعمان در این سوره پنج بار خود را «بنده تو» می خواند، زیرا تواضع شده است. غرور نعمان قبلاً او را کور کرده بود، اما اکنون او می تواند به وضوح ببیند. اکنون نعمان آماده پرستش تنها خدای واقعی است. آیا شنیدید که در آیات 15 و 17 چه گفت؟

15 نعمان گفت: «اینک، می دانم که خدایی در تمام زمین جز در اسرائیل نیست...

17 از این به بعد، غلام تو برای هیچ خدایی جز خداوند قربانی سوختنی و قربانی نخواهد کرد.»

این صدها سال قبل از اینکه پطرس در اعمال 10 نزد کورنلیوس رفت و غیریهودیان روح القدس را دریافت کردند، اتفاق افتاد. خداوند در طول تاریخ بشریت ملت ها را به سوی خود آورده است، و خدا اغلب این کار را به شیوه های شگفت انگیزی انجام می دهد. کاری که امروز در One Voice Fellowship انجام می دهیم، ادامه همان داستانی است که امروز دیدیم. خدا از روح القدس استفاده می کند تا به گناهکاران از هر کشوری نشان دهد که به یک نجات دهنده نیاز دارند. روح القدس به همه ما نشان می دهد که قدرت، دارایی و موقعیت بت های دروغینی هستند که نمی توانند ما را نجات دهند. هفته آینده به بررسی داستان نعمان با تمرکز بر این دختر جوان اسرائیلی ادامه خواهیم داد. من فکر می کنم او قهرمان آرام داستان است، بنابراین امیدوارم هفته آینده اینجا باشید تا ببینید خدا از نمونه او چه چیزی می خواهد به ما بیاموزد.

لطفاً با من دعا کنید

پدر در بهشت، از تو سپاسگزارم که روح القدس را فرستادی تا به ما کمک کند تا امروز کلام خدا را درک کنیم. وقتی فکر می کنیم می خواهید افرادی مانند نعمان را نجات دهید و نجات دهید شگفت زده می شویم. او خارجی و دشمن بود، اما اکنون پسر و فرزند محبوب شماس است. و ما نیز چنین هستیم، اگر به عیسی به عنوان خداوند و نجات دهنده خود ایمان داشته باشیم. از تو سپاسگزارم، روح القدس، برای هدیه ایمان که چشمان ما را باز می کند تا بتوانیم باور کنیم. ما به نام خداوند ما عیسی دعا می کنیم، آمین.

